

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - چهارم

تیر ماه ۱۳۴۵

# اکنون از ما

دوره - سی و پنجم

شماره - ۴

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

( مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی )

( صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم )

## مرداد است نه امرداد!

در دی ماه سال گذشته ، ضمن سخنی که راجع به سال و ماه شمسی و قمری در رادیو ایران میگفتم ، بمناسبت زکروزوماه تاریخ یزد گردی؛ نام «مرداد» بر زبان رفت و چون شبهه تردید از طرف معدودی میرفت ، تاکید کردم که صورت صحیح فارسی دری این اسم یا لفظ ، همان مردادی است که از روزگار فردوسی تا امروز پیوسته و بطور منظم میان شاعران و نویسندگان و سخنگویان پارسی زبان جهان متداول بوده است .

گروه استادان زبانهای قدیم ایران در دانشگاه و هیأت تحریریه لغت نامه و محافل ادبی با بیختم مجال نقد و اعتراضی نیافتند ، اما برخلاف انتظار ، چندتن ازدوستان زردشتی ما ، در تهران و یزد و کرمان بدون توجه به سوابق لغوی و تاریخی کلمه ، این امر را مخالف ذوق و سلیقه خود دانسته بوسیله مکتوب و مذاکره حضوری و تلفونی بر این مطلب سخت اعتراض کردند .

از آن جمله ، اعتراض نامه انجمن زردشتیان تهران و رونوشت تصمیم اعضای انجمن ایران لیگ بمبئی در این باره که نخستین به فارسی و دومی به انگلیسی نوشته

شده بود، با نامهای که هموطن فاضل ما آقای فریدون سروشیان خطاب به گوینده مطلب مرقوم داشته بودند، مشتمل بر پاره‌ای مطالب قابل پژوهش بود که از آنها تنها نامه آقای سروشیان را برای تقدیم پاسخ برگزیدیم، زیرا طرف مکاتبه و مناقشه در این نامه شخص گوینده یا نویسنده بود و کاری به دستگاه رادیو یا وسیله نشر سخن او نداشت. اینک به نقل عین نامه آقای سروشیان میپردازیم:



۲۵ دیماه ۱۳۴۴ -

..... آقای محیط طباطبائی .....

محترماً پس از عرض سلام و اظهار ارادت، شرحی که راجع به تقاویم و روزوماه و سال انشاء فرموده‌اید و در رادیو بازگو شده و میشود، شنیدم و مستفید شدم. و اما راجع به واژه امرداد که به استناد از آیات شاهنامه و غیره فرموده‌اید «مرداد درست است و امرداد نادرست» با شگفتی و با کمال پوزش باید عرض نمایم که در این باره بر جناب عالی مشتبه شده است. زیرا تصدیق میفرمائید که بساواژه‌هاست که بنا به ضرورت شعری مخفف و یا هشدرد شده است و قابل استناد نمیباشد. مثلاً روانشاد فردوسی در شاهنامه میفرماید:

ز شهریر بادی تو پیروزگر کلاه بزرگی و تخت و کمر،

آیا میشود شهریرور را شهریر گفت و نوشت که فردوسی ضرورت گفته است؟

نه! و هکذا.

و اما چنانکه میدانید واژه مرداد یا امرداد، پارسی شده مرات یا امرتات واژه

زند اوستانی میباشد که صرف و نحو بخصوصی دارد. واژه زندگی مرداد، مرات **Meretat**

و به معنی مرگ و نیستی و نابودی است و حرف «ا» که نشانه منفی بودن، یعنی بی-نه-نا-

میباشد که جلو آن افزوده میشود. Ameretat میشود، معنی آن بیمرگی و جاویدانی و ابدیت است.

اینگونه بسیار در اوستا آمده است. مثلاً کلمه سروش که زندی آن Sraoshe که به معنی فرمانبرداری و فروتنی میباشد آ (a) که جلو آن می آید و میشود Asraoshe معنی آن نافرمانی و گردنکشی میشود. سراویت Sravayet به معنی سراینده و سراویت Asravayet ناسراینده میشود و غیره.

همچنین است در برخی واژه‌های پهلوی، مثلاً در نیایش خورشید آمده است: «مس (بزرگ) ووه (فیروزگر) باد مینوی خورشید امرگ (یعنی بیمرگ) و هکذا. پس از این رو معلوم میشود که واژه امرداد که بمعنی بیمرگی و جاویدانی و تلفظ درست آن که امرداد بد کسر میم باشد درست است و اینکه اکثراً به ضم میم و امرداد میگویند درست نیست و امرداد باید گفت و نوشت و خواند. کلمه مراد را باید متروک نمود و بد زبان و قلم نیاورد و نباید خواستار مرگ و نیستی و نابودی شد. بنده آنچه به فهم نارسایم رسیده بود به عرض رساندم به اختصار، البته دانشمندان محترم از قبیل پورداود و دکتر فرهوشی و موبد رستم شهرزادی و مؤبدان اردشیر و فیروز آذرگشسب و غیره بهتر و بیشتر متبحر و متخصص در علوم اوستایی و باستانی میباشند که ممکن است از ایشان استعلام نمود و بیش رنج افزا نمیشوم و بهروزی حضرت عالی را از یزدان پاک خواستار میباشم.

(در حاشیه نامه) در نصاب الصبیان آمده است:

ز فروردین چو بگذشتی مداردی بهشت آید

همان خوردان و تیر آنگه امردادت همی باید

پس از شهریور و مهر و ابان و آذر و دی دان

که بر بهمن جز اسفندارمذ ماهی نیفزاید.

با تقدیم احترامات فائمه ، فریدون سروشیان (۱)



صرف نظر از شکل تنظیم و طرز القای مطلب، زمینه استدلال انجمن زردشتیان تهران در اعتراض نامه خود و فحوای منشور ایران لیگ بمبئی دربارهٔ مرداد (که بعد از این مکتوب صادر شده است) از آنچه آقای سروشیان در نامه خود بیان کرده اند تجاوز نمیکند ، تصور میکنم مراعات حرمت آن دو هیأت مذهبی اقتضا میکند که جواب ایراد های مشترک به نامهٔ آقای سروشیان داده شود .



اساس اعتراض و نقد ناقد (بلکه ناقدین) بر این مسائل قرار دارد :

- ۱ - فردوسی بواسطهٔ ضرورت شعری امرداد را مرداد گفته است .
  - ۲ - ریشهٔ مرداد، امرداد زندی است که از امره تات اوستایی مشتق شده است .
  - ۳ - چون مرداد بمعنی فانی و امرداد بمعنی باقی است پس امرداد درست است .
  - ۴ - امرداد به کسر میم صحیح است نه امرداد به ضم آن .
  - ۵ - مرداد را باید متروک نمود و بزبان و قلم نیاورد و نباید خواستار مرگ شد .
  - ۶ - از متخصصان علوم اوستایی باید حقیقت را استعلام کرد .
  - ۷ - در نصاب الصبیان به جای مرداد امرداد آمده است .
- اینک ، به بیانات ناقد عزیز بهمان ترتیب جواب میدهم :

### ۱ - ضرورت شعری

ضرورت شعری یعنی عدم امکان ورود لفظی در یکی از اوزان شعری ، چنانکه

- ۱ - کلمات پهلوی و اوستایی که در متن نامه به حروف دین دبیره نوشته شده بود ، چون حروف اوستایی در چاپخانه های تهران نیست بهمان صورت تحریر لاتینی آن جهت تعیین تلفظ اکتفا رفت .

لفظ متقارب که اسم بحر متقارب (بروزن فعولن «۴ بار») است چون در خود این بحر داخل نمیشود، فراهی در آغاز تغزل همین بحر از نصاب بجای «مقارب» لفظ «تقارب» آورده و گفته است «ببحر تقارب تقرّب نمای !».

اما امرداد که بروزن فعولان است در همه بحوری که از زحافات فعولن و مفاعیلین و مستفعیلین و فعولن و مفعولان ترکیب یافته پروانه ورود دارد و همانطور که ناقد محترم به سلیقه خود در شعر معروف ابونصر فراهی از نصاب الصبیان تصرفی کرده و «مرداد» معروف را به «امرداد» مجعول تبدیل کرده اند، در هر جا که فردوسی «مرداد» آورده، ذکر امرداد هم در آن شعر اشکالی نداشته است.

چنانکه یکی از معاصرین در همین بحر متقارب فردوسی میگوید :

امرداد روز از امرداد ماه      امرداد کان است ، فرخنده گاه .

یا همانگونه که کاتبی گجراتی در منظومه «وصف امشاسفندان» از مجموعه روایات مذهبی پارسیان هند (نسخه خطی مورد استفاده ما) هر جا توانسته «مرداد» را «امرداد» کند، کرده و هر جا نتوانسته ، به حال خود گذارده است .

البته آقای سروشیان از متخصصان علوم اوستائی شنیده اند که خرداد و مرداد در ظاهر دو امشاسفند ولی در حقیقت مانند دو نیمه از یک مغز بوده اند و همیشه باهم ذکر شده اند و بهمین مناسبت ناظم مثنوی «وصف امشاسفندان» هر دورا باهم یاد میکند :

که خرداد و مرداد آن هر دو ان      عزیزند پیش من آن نیکوان

.....

به مرداد اورور سپردم دگر      درخت و گیاه جهان سر بسر

.....

خورشهای خوش، نیکو و خوش لطف،      به خرداد و مرداد آید نطاف .

که بوی خوش و نغز اندر جهان      ز خرداد و مرداد باشد بدان :

ز خرداد و مرداد آید پدید خور و خلق عالم شوند آرמיד.  
 اما در این دو بیت که برای کاتب امکان توسع در وزن بوده، در آن تصرف کرده  
 و بجای «مرداد» که قطعاً در اصل منظومه ثبت بوده «امرداد» نوشته است:

بداند همه داد خرداد را دگر گویم از داد «امرداد» را  
 که از داد «امرداد» باشد جهان نباید کنم کارها را نهان،  
 که به قرینه ابیات پیش معلوم است کاتب از امکان تصرف استفاده کرده و مرداد  
 اصلی را به امرداد بدلی بدل کرده است. درک این نکته برای شعر شناسان دشوار  
 نیست که این (آ) ی زاید در اول مرداد، شعر را از تناسب با سیاق لفظ و فصاحت معهود  
 افکنده است.

پس استدلال براینکه ضرورت شعری «مرداد» را «امرداد» کرده خطاست.  
 اما راجع به «شهریر» که تصور کرده اند فردوسی بواسطه ضرورت شعری ناگزیر  
 از تحفیف شهریر بدین صورت شده، یک قسم سوء تفاهمی برای ناقد دست داده است.  
 زیرا شهریر اصولاً صورت دوم لفظ دری خشتریرور پهلوی و خشتر اویرای اوستایی است  
 که به هردو صورت در مأخذهای مختلف نظم و نثر دری و فرهنگهای معتبر فارسی وارد  
 است. چنانکه لبیبی شاعر از روز شهریر و و صاف الحضرة از ماه شهریر در شعر خود یاد  
 کرده اند و فردوسی در شعر خود هردو صورت را ذکر کرده است. یکی همین بیتی که  
 ناقد نقل کرده اند. اما در بیت دیگری که در فرهنگها شاهد آورده اند فردوسی شهریرورا  
 ذکر میکند:

ز شهریرورت باد فتح و ظفر بزرگی و تخت و کلاه و کمر

بدیهی است شهریر و شهریرور در سخن فردوسی به معنی امشاسپند است نه  
 روز و ماه یزدگردی و هیچگونه ضرورتی جز جواز استعمال هردو صورت برای ذکر  
 آنها در شاهنامه متصور نیست و ربطی به ضرورت تخفیف جهت امکان ورود در بحر

متقارب نداشته است .

### ۴ - ریشه مرداد

در اینکه امرداد و امردات پازندی از امرتات زندی و امره تات اوستایی مشتق شده، جای شکی نیست. ولی مرداد لفظ صحیح فارسی دری است نه پهلوی و اوستایی تا تابع صرف و اشتقاق الفاظ زبانهای پهلوی و اوستایی باشد .

متأسفانه ، فقدان متخصصان کردان و زبر دست در علوم زبانشناسی، ما را از امکان استعمال درباره آن محروم میدارد ولی چون فارسی دری زبان مادری ما هست و شصت سال بدان سخن گفته ایم و نوشته ایم و درس خوانده ایم و درس داده ایم برای خویش این حق را کسب کرده ایم که بتوانیم بگوئیم ساختمان زبان دری، به زبانهای سغدی و طخاری و خوارزمی بیشتر نزدیک است همانطور که زبان پهلوی، با زبانهای آذری و کردی ولری و مازندرانی و لاری و شیرازی و خوزی قرابت اشتقاق داشته است ولی با وجود کوشش فراوان برای زبان اوستایی و در این سوی رود سند هنوز نتوانسته ایم همطبقه و همسان و هم ریشه‌های بیابیم و در کاوش خود بدینجا رسیده ایم که کلمه‌های اوستایی فی الواقع صورت پارسی شده الفاظ دیرینه زبان سانسکریت است و برای تشخیص تلفظ و مصداق صحیح آنها باید به ودا و پوراننا رجوع کرد .

اخیراً ترجمه‌ای از گاتها به انگلیسی و کجراتی که بوسیله «خبردار» از پارسیان هند صورت تدوین پذیرفته و در بمبئی چاپ شده است، توسط یکی از فضایل اسماعیلی هندوستان در دسترس این جانب قرار گرفت . از تصویر تلفظ سانسکریت گاتها که به حروف لاتینی نگاشته اند این نکته را استنباط کردم که گاتها از گیتای سانسکریت چندان جدائی ندارد و الفاظ اوستایی بعینه همان الفاظ مسجل سانسکریت است که بر زبان مردمی در ایران جاری و تلفظ شده و اختلاف مخرج حروف پارسی و هندی بدانها دو صورت و دو کیفیت متمایز داده است ، همانطور که تصویر مخارج حروف عربی قرآن

در تلفظ فارسی زبانان اگر به خط صوت‌نما صورت پذیرد ناگزیر «فصل لربك وانحر» میشود «فصل لربك وانهر». اما برای یافتن معنی این صورت دوم باید به ریشه اصلی الفاظ صورت اول مراجعه کرد و این همان کاری است که خاور شناسان فرنگ در تفسیر جدید کاتها انجام داده‌اند و تفسیر پهلوی و پازند را که ساسانیان بر اوستای باستانی افزوده و بدان آمیخته بودند معتبر نشناخته بلکه برای درک مفاهیم اوستایی به ریشه‌های الفاظ مشابه در زبان سانسکریت پرداخته‌اند.

در این صورت اگر به زبانهای پالی و بنگالی و سانسکریت، جهت تحقیق ریشه الفاظ اوستایی، رجوع شود معلوم است که نتیجه حاصل به مراتب مفیدتر از تطبیق آن بر فارسی دری یا پهلوی است. در صورتیکه الفاظ فارسی دری و پهلوی از این قاعده خارج افتاده‌اند. مرداد در همه زبانها و لهجه‌های شمالی و غربی و مرکزی ایران و در استعمال ادبی و عمومی صورت «مرداد» بدون الف را داشته و دارد. در صدها اثر ادبی و علمی و شعری که از صده سوم هجری بدین طرف متوالیاً به یادگار مانده، همه جابصورت مروی و مکتوب، «مرداد» است و هرگز برای نمونه حتی یک نوبت از این «امرداد» منظور ولو به خطا هم باشد در آثار نو و کهنه ادبی کشور ما نگری نرفته است.

نکته‌ای که باید در این جا بیاد آورد، آنچه در پیش زردشتیان، لهجه دری گفته میشود از نظر اصولی مشتق از همان دری ادبی است. زیرا مهاجرین زردشتی از خراسان به جنوب (در هجوم مغول) دری زبان بوده و زبان خود را در کرمان و یزد حفظ کرده‌اند. ولی ضرورت‌های مختلف و از همه برتر، نیازمندیهایی دینی مقدار زیادی از الفاظ پهلوی و اوستائی را از زبند اوستا گرفته و بدان آمیخته و همانطور که الفاظ عربی آمیخته به فارسی از راه قرآن کریم، فارسی دری حقیقی نیست این الفاظ مذهبی اوستایی و پهلوی را هم نمیتوان به حساب اصول کلمات فارسی دری واقعی گذارد.

این تفسیرهای آمیخته به متون زبند و اوستا که به صورت دری نزدیک‌تر است در



حقیقت صورت خاصی از زبانهای ایرانی است که باید آن را بهمان اصطلاح قدیمی زبان کبری یا بازندی خوانند ولی این زبان کبری با آنچه در اردستان و زواره و گن در حدود اصفهان، زبان کبری نامیده میشود، تفاوت واضحی دارد. (۱)

پس لفظ مرداد چون فارسی دری است بامرداد سغدی و مرداد و ملارطبری و مرداد کردی ولری و اصفهانی و شیرازی از یک ریشه است.

در صورتیکه آیمرداد زردشتیان یزد و کرمان و اِمرداد پارسیگویان گجراتی در هندوستان مشتق از امره تات اوستائی است که نخست به صورت امرتات پهلوی و سپس امردات بازندی و امرداد گجراتی درآمده است و مأخذ اشتقاق آن را بامرداد دری نمیتوان یکی دانست.

### ۳ - مرداد فانی و امرداد باقی!

این بحثی که ناقد محترم در ریشه پهلوی و اوستائی یا سانسکریت لفظ مرداد کرده اند و به اعتبار معنی آن را امرداد دانستند، بیش از یک فانتزی لغوی و تصور ذهنی درباره لغت مرداد نیست و حقیقت هم غیر از این است؛ زیرا تصور نمیکنم در سراسر ایران از دوهزار سال بدین طرف که همواره صیغه مرداد در زبان فارسی دری متداول بوده هرگز کسی از نام روز و ماه مرداد تصور مفهوم لغوی مذهبی کرده باشد و همانطور که اروپائیا از نام جولای و آگست یا ژویه و اوت خود ابداً یاد از جولایوس سزار و اگوستوس که منشأ تسمیه بوده اند، نمیکنند و عربها هم از ربیع زمستانی و جمادی و رجب آن مفهوم دیرینه ای را که در جاهلیت افاده میکردند، ندارند، مردم کشورها نیز از معنی «مرداد» تصور مرگ و فنا و نابودی نمیکنند. در صورتیکه بیم از مرگ و امید به دوام عمر اینسان مایه تشویش خاطرها باشد که الفاظ را از بیم و نفرت اجل بایستی عوض کرد، سزاوراست نام «مرد» و «مردم» را که افاده معنی فانی

۱- کبر، صورت فارسی «جبرای» آرامی به معنی «مرد» است و در میان کبر و «کفر» عربی هیچگونه ارتباطی نبوده و هنوز در روستاها صفت «کبری» برای بنا و آجر و خشت و کازیز، افاده مفهوم قدرت و مردانگی و جباری میکند و بالفاظ و معنی کفر و کافر ربطی ندارد.

و نابود شوند گمان میکنند نخست به صورت دیگری درآورد و بجای «مرد» بيمرد یا «امرد» و بجای مردم «نمردم» گفت، مگر اینکه بپذیریم استعمال لفظ آرامی الاصل «جبرا» بصورت «گبر» بجای لفظ مرد دری، محصول يك چنین نفرت درونی از مفهوم مرگ و نابودی «مرد» مردنی بوده است.

البته توجه به سیاق فارسی دری و قواعد اشتقاق آن هرگز اجازه نمیدهد که مادر صورت منفی «امرد» و «امردم» بگوییم. زیرا در زبان فارسی دری حرف نفی «نه» و نا و «بی» و «هه» است و امرگ به فرض آنکه در زبان زند و پازند بکار رود، در سخن دری ادبی باید بيمرگ گفته شود، همانطور که آکام، ناکام و آکاس، بیگام میشود.

#### ۴ - کسره و ضمه میم در مرداد و امرداد؟

مرداد در فارسی دری و عربی به ضم میم است و احياناً در بعضی فرهنگها به فتح میم ذکر شده است و در برخی از نیمزبانهای ایرانی آن را به کسر میم هم تلفظ میکنند مانند مازندرانی، ولی امرداد چون لفظ فارسی دری نیست در اختیار پارسیان گجرات و هموطنان زردشتی ما در یزد و کرمان قرار دارد تا بهر صورتی دلشان بخواهد بگویند، ولی از قرار معلوم بعضی نه تنها میم را کسره میدهند، بلکه «ا» را نیز به کسره میگویند. برای امرداد پازندی یا پارسی گجراتی در زبان فارسی دری جای استعمالی ابدأ نیست که به ضم حرف اول و دوم یا به کسر آنها یا به اختلاف کسر و ضم در هر دو بگویند بلکه همان مرداد دیرینه در این زبان جای امرداد پازندی و امرتات پهلوی را میگیرد و تغییر حرفی از آن در حکم ستیزه با فارسی دری است.

متأسفانه عدم توجه اساسی برخی از افراد مسؤل در این سنوات اخیر غفلةً به يك پیشنهاد ناروای انجمن زردشتیان طهران که بجای مرداد «امراد» گفته شود، بدون مراجعه به ارباب بصیرت سبب عجلهً بیجا در صدور دستوری شد ولی الفاظ زبان فارسی دری را دستورهای دیوانیان در روزگار گذشته نساخته و نپرداخته است که امروز با صدور دستور دیوانی جدید بتوان آنها را عوض کرد.

آنکه در هزار و صدسال پیش گفت: «عجم زنده کردم بدین پارسی» با سعدی و حافظ و نظامی و خاقانی و مسعود سعد و انوری و رودکی و فرخی، نگهبانان و پاسداران سخن فارسی هستند و بدون تجویز گفتار آنها هیچ قانون مصوب و دستور مؤکدی هم نمیتواند زیر وزبری ذربالا و پائین يك لفظ پارسی دری بگذارد.

امیرنصرسامانی و محمود غزنوی و سلطان سنجر و بهرامشاه و خوارزمشاه و ابوبکر سعد و شیروانشاه و آخستان و نظایر آنها رفته اند و تنهائنامی از آنها روی سکه یا در صفحه تاریخ باقی است ولی سرنوشت زبان فارسی همواره در اختیار شهریاران اقلیم سخن بوده است که از هیچ دستور و امر و قانونی جز دستور زبان و قانون سخن و امر فصاحت و بلاغت، فرمان نبرده و نمیرند.

### ۵ - ترك مرداد دلیلی ندارد!

اینکه ناقد میگوید «مرداد را باید متروك نمود و به زبان و قلم نیآورد و باید خواستار مرگ و نابودی نشد» این درخواست تابع چه قاعده ای است؟ مگر با تبدیل اسامی مفاهیم هم عوض میشود؟ شما اسم «ظلم» را «داد» بگذارید و به مرد «ظالم» «دادگر» بگوئید کار عدالت بسامان میشود؟ اگر به مرگ حیات و به زندگی ممات بگویند آیا در کیفیت آن تغییری پیدا میشود؟

آیا در میان بیست و يك ملیون و هشتصد هزار هموطن مسلمانان که مرداد را بصورت درست آن «مرداد» میگویند و مینویسند، نسبت مرگ و میر بیش از بیست و يك هزار هموطن زردشتی ماست که از امرداد معنی جاویدان میفهمند؛ و آیا صد و بیست هزار زردشتی گجراتی که امرداد را بجای مرداد بکار میبرند طول متوسط عمر آنها از چند ملیون سکنه مسلمان یا چندین ملیون هندوی آن ناحیه بیشتر است؟

اگر واقعاً نفرت از مرگ تا این درجه مؤثر است که باید مرداد را امرداد کنیم و کالبد مرده را طعمه کرکس کوه سازیم، چرا این لفظ کوچک «مرد» مردنی را باید

نگاهداری کرد و از آن، مردان و مردانگی و جوانمردی و آزاد مردی ساخت؟  
 آیا تبدیل آن به لفظ دیگری که معنی جاوید وزنده ابدی بدهد بهتر نیست؟  
 آیا افزودن يك (۱) بر سران بهتر و سودمندتر از افزودن (۱) بر سر مرداد نیست؟  
 اکثریت مردم ایران از مرگ پروائی ندارند، بلکه عالم ماورای این زندگانی  
 را برای نیکوکاران حیات جاودانی میدانند و در حقیقت بقای جان را در فنای تن مینگرند.  
 ملت امروز ایران مرگ را به گفته پیشوای بزرگ مذهبی خود، مرحله محتوم  
 زندگانی میدانند که تقدیم و تأخیر آن در موقع اجل برای يك لحظه هم میسر نیست.  
 شاعر پارسی همین مفهوم گفتار پیشوای مذهبی خود را به شعر در آورده است:  
 دوروز حذر کردن از مرگ روانیست روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست  
 بجای بیم از مرگ و تبدیل مرداد به امرداد، بهتر است که در هر روز و ماه مردادی  
 بیاد عاقبت کار زندگانی و اجل حتمی باشیم و از کردار بد و بغض و حسد و نفاق و  
 مردم آزاری بپرهیزیم.

### ۶ - تخصص در علوم اوستایی

متأسفانه موبدان و دستوران زردشتی ایران در افاضه فیض و افاده معلومات خود  
 در طی قرن‌ها، به عذر عدم جواز تعلیم خط پهلوی، چندان مضایقه و رزیدند که به مرور  
 زمان در یزد و کرمان و محمودآباد و ترک آباد که منشاء و مولد موبدان فاضل بوده کار  
 بجائی رسیده که چشم طلب و امید بهدینان همواره بسوی همکیشان کجراتی باشد و از  
 کسانی که تا روزگار صفویه برای درک هر مطلبی و حل هر مشکلی به یزد و کرمان  
 قاصد میفرستادند و نامه مینوشتند، اینک انتظار حل مشکل مذهبی را داشته باشند.  
 اما کار تخصص پارسیان کجراتی هم در طی یکصد سال متدرجاً براهی گراییده که اگر  
 پسر مرحوم حاجی داود رشتی یعنی میرزا ابراهیم، طلبه قدیم مدرسه حاجی سمیع از  
 رشت به اروپا نمیرفت و زبان آلمانی نمی آموخت و به ترجمه کتابهای مختلف از آلمانی  
 به فارسی توانا نمیشد، شاید هنوز ترجمه آلمانی اوستا به فارسی برگردانیده نشده

بود و کسی نبود که ضمیر تخصص در علوم اوستائی را امروز به سوی خود بکشد. علاوه بر این ما که در باره زند و اوستا مشکلی نداریم که به متخصصین علوم اوستایی مراجعه کنیم، ولی همینقدر میتوانیم گفت که هدفهای نوزاد اجتماعی و اغراض تازه‌وارد و یا غفلتها گاهی سبب انحراف فکری افرادی در بیان حقیقت میشود. چنانکه در ضمن مقابله سریع ترجمه فارسی تازه اثر آقای موبد اردشیر آذرگشسب از خرده اوستا، که انجمن محترم زردشتیان طهران نسخه‌ای از آن را به من اهدا کرده‌است، با متن کهنه‌ای که بخط فارسی در دسترس خود داشتم، علاوه بر برخی اختلافات لفظی و کم و بیش؛ که ممکن است از اختلاف نسخه اساسی ترجمه با نسخه خطی مورد مراجعه پیش آمده باشد، در دعاها و نیکوکارهای مربوط به سی روزه و دوازده ماهه تصرف غریبی کرده‌اند و دعاها و نیایشها که بدصغۀ اوستائی بوده حذف شده و در عنوان روزها و ماهها که نسخه خطی نوشته سال هزار و شصت و هشت یزدگردی با مر کب سرخ همه جا «مرداد» نوشته (و به قیاس ترجمه فرانسوی دارمستر که با مراجعه چند نسخه از خرده اوستا انجام پذیرفته‌است معلوم میشود که در همه نسخه‌ها «مرداد» برای عناوین روز و ماه سال نوشته بوده‌اند) آقای موبد اردشیر به پیروی از استعمال موبدان گجراتی که دستاموز نوکار دستوران کهن ایران بوده‌اند، مرداد را در این ترجمه و متن «امرداد» نوشته‌اند. در چنین صورتی چگونه من میتوانم در استعمال از چنین متخصصینی به صحت و دقت به جواب ایشان اطمینان پیدا کنم؟

آقای پورداود، در مقدمه‌ای که بر ترجمه یشتها نوشته‌اند «امرداد» را «مرداد» گفته‌اند ولی در ترجمه خود از خرده اوستا، متأسفانه از آن مراقبتی که در سابق نسبت به جنبه علمی خالص بودن کار ترجمه داشتند اندکی عدول ورزیده‌اند و معلوم نیست از کدام متن قدیم خرده اوستا، «امردادی» بیرون آورده‌اند که درسی روزه‌ها و دوازده ماهه بکار برده‌اند؟

### ۷ - امرداد ابونصر فراهی

اینکه ناقد از نصاب الصبیان قطعه مربوط به نام ماه‌های پارسی را بیرون

آورده و نقل کرده‌اند برای من که در مکتب ده بعد از تعلیم قرآن، نصاب را آموخته بودم، لذت بخش بود و قطعاً را بعد از پنجاه و پنج سال از نوبیادمن آورد و قیافه ملاحظه مکتبدار زواره را که شبیه‌ترین صورتهای عالم به چهره میرزا تقی خان فراهانی بود و در انتخاب شکل لباس، از آبدست و قبا و کلاه هم گوئی از امیر کبیر تقلید میکرد، آری قیافه او در نظرم مجسم شد که این شعر را برای تعلیم بد ما، نوآموزان از حفظ میخواند و ما نصابهای چاپی را در پیش روداشتم و باقرائت او تطبیق و تمرین میکردیم. ولی تلفظ آن مرحوم و صورت چاپی ده قسم چاپ مختلف از نصاب که آن روز در دست شاگردان بود، همه غیر از این روایت منقول آقای سروشیان بود و «امردادی» در کار نبود.

پس از پنجاه و پنج سال اطمینان به روایت بیت مورد استشهاد، دوباره بدستخدهای متعددی که از نصاب الصبیان در کتابخانه دارم مراجعه کردم، دیدم همه در این منوال میباشند: زفروردین چو بگذشتی مد اردیبهشت آید

بمان خرداد و تیر آنگه که مردادت همی باید

شاید تردید در درك معنی «بمان» و زکر «همان» بجایش کسی را بداشتباه افکنده باشد که (که) پیش از «مرداد» زاید است، در صورتیکه شارحان نصاب، «بمان» را بمعنی «واگذار» نوشته‌اند.

یعنی: خرداد و تیر را آنوقت که مرداد ترا لازم است واگذار!

در این صورت چنین تصور میکنم کسی در صدر اغفال ناقد محترم برآمد و چنین شاهد فجعولی را برای صحت استعمال «امرداد» غلط، زکر کرده و تصور شده است که دیگران به اصل مطلب در نصاب رجوع نمیکنند.

امیدوارم خداوند زبان ما را از لغزش و اندیشه ما را از کجروی و دل ما را از کینه و دست ما را از کار نادرست و جامعه ما را از پراکندگی محفوظ بدارد، تا از بیم مرگ مرداد را امرداد نکنیم و بنای استوار و پایدار پارسی دری را با هوسرانی در

استعمال الفاظ ناروا و تصرف در صورت آنها ویران نسازیم!

۱۳۴۵ ر ۴ ر ۲۵

محمد - محیط طباطبائی

## داد سخن

استعمال کلمهٔ مجعول «امر داد» بجای مرداد، درست در چهل سال پیش از طرف کارپردازى مجلس شورى، در تقويم رسمى مجلس طرح و چاپ شد. اين امر در محافل ادبى پايتخت سوء تأثيرى بخشيد و همان زمان استاد سخن مرحوم و حيد دستگر دى قطعه‌اى بس شيوا در انتقاد از اين عمل ناروا سرود كه مانند ساير آثار آن مرحوم در نظر ادبامتنم اتفاق افتاد.

برای اینكه خوانندگان مجله از مضامين شيرين و ممتع آن قطعه دلپذير ممتع شوند اينك عين قطعه را انتشار ميدهيم.

### (سخن کدام است)

سخن آنست کز آن جان غمین شاد شود

نه دل شاد چو بشنید غم آباد شود

بدسخن سازی و پرگوئی و خالق آزاری

اندرین قوم بمردن مگر از یاد شود

طبع میباید و تحصیل ادب از استاد

سالها تا یکی اندر سخن استاد شود

ورنه کس زاغ شنیده است که بلبل گردد

یا کسی دیده که فرخ چو هماخاد شود

☆☆☆

گرچه در جامعهٔ جهل بصرى دعوى

خس بتصدیق خسان خنجر فولاد شود